

رابطه ی مستقیم و دوسویه ی دولت روسیه شوروی با حزب دمکرات کردستان ایران ، در سال های پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران از سوی نیروهای اتحاد جماهیر شوروی ، آمریکا و انگلستان ، آتچنان آشکار است که هرگز از سوی رهبران اخیر این حزب انکار نشده است . در روزهایی که با اشغال ایران ، دولت ایران درگیر مصیبت های ناخواسته تحمیلی به سبب ورود نیروهای اشغالی بود و شهروندان ایرانی با بیماری و فقر و گرسنگی دست به گریبان بودند ، اتحاد جماهیر شوروی زمان را برای اجرایی کردن خواسته ویژه ی خود ، دست یافتن به آب های گرم خلیج فارس و در گام نخست گرفتن امتیاز نفت شمال ایران ، مناسب دانست و برای این کار ، کوشید تا در زیر پوشش تشکل هایی که شعارهایی مردم پسند و در راستای اهداف » نخستین دولت پرولتاریای جهان « به رهبری یوسف استالین ، سر می دادند ، مزدوران خود را سازماندهی کند .

این دولت در گام نخست با تأسیس حزب های دست آموز در جهت واقعی جلوه دادن مبارزه مشروع برای دستیابی به « قدرت سیاسی » از سوی چپگرایان برآمد : نخست در میان آذری های استان آذربایجان از یکی از اعضای گذشته ی « حزب کمونیست ایران » - که با آنها همکاری های درازمدتی را از خود نشان داده بود - برای تأسیس حزب و پس از آن، تأسیس دولت دست نشانده حمایت کرد ، و پس از آن به سراغ شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی آمد . تجزیه طلبان چنین جلوه داده اند که قاضی محمد ، همچون یک رهبر سیاسی با اراده ی خود در صدد جلب حمایت روس ها برآمده است ؛ اما نکته ی مهم این است که این رهبر حزب دمکرات کردستان ایران ، قاضی محمد ، نبود که مانند هر رهبر سیاسی دیگر ، به نیت بده بستان و تعامل سیاسی و یا از روی ناگزیری ، با یک دولت ارتباط برقرار کند بلکه این رهبران کاخ کرملین بودند که برای رسیدن به خواسته های خود ، قاضی محمد را پیدا کردند و به دست او ، حزب دمکرات کردستان ایران را تأسیس کردند . روس ها پیش از آنکه با قاضی محمد وارد گفتگو شوند ، با سه نفر دیگر از برجستگان سیاسی کردستان مذاکره کردند و آنان را به انجام این کار تشویق کردند . این سه نفر علی آقا امیرشایر ، عمرخان شکاک و قرنی آقای مامش بودند که هر سه نفر ، پیشنهادهای روس ها را مودبانه رد کردند . [۱] چهارمین نفر یک روحانی سنی مذهب و گرجی تبار به نام « قاضی محمد » بود که روس ها او را برای اجرایی کردن خواست های خود، یافتند ؛ و او بود که پیشنهاد روس ها را پذیرفت .

با پذیرفته شدن این پیشنهاد از سوی قاضی محمد ، رابطه ای دوسویه میان او و هوادارانش و دولت روسیه ی شوروی آغاز شد . با تأسیس حزب دمکرات کردستان ایران، کمک های مادی و معنوی گسترده روسیه ی شوروی به این حزب در قالب پرداخت پول ، تحویل سلاح و تجهیزات نظامی ، دستگاه فرستنده ی رادیویی ، دستگاه چاپ و برگزاری دوره های آموزش نظامی در باکو برای اعضای حزب قاضی محمد آغاز شد . افزون بر این ، جلوگیری از حرکت ستون های ارتش ایران به سوی آذربایجان که از سوی روس ها انجام می گرفت ، جدای از حمایت از تجزیه طلبان آذربایجان به رهبری دست نشانده دیگری به نام جعفر پیشه وری ، حمایت از دومین دولت « روس ساخته »، یعنی دولت قاضی محمد در مهاباد ، را هم هدف خود قرار داده بود ، و در عمل ، دست حزب دمکرات کردستان را در اقدام های خود باز می گذاشت . در برابر این حمایت ها ، حزب دمکرات کردستان ایران نیز ، بی پروا ، چاکری و حمایت آشکار خود از خواسته های روسیه شوروی در ایران را پی گرفت و حتا برای داده شدن امتیاز نفت شمال به روسیه ی شوروی کوشش هایی را به کار بست . این اقدامات که چیزی نبود مگر گونه ای « امربری » و دست نشاندهی آشکار ، چهره ی یک « دولت مستعمره » را به دولت قاضی محمد بخشید .

در همان زمان ، در عرصه ی فرهنگی نیز حزب دمکرات کردستان ایران ، از اینکه دست نشاندهی خود را به بانگ بلند جار بزند ، ابایی نداشت . برای نمونه به نمایش « مام میهن » می توان اشاره کرد . در این نمایش که کارگردانان این حزب آن را بر روی صحنه بردند ، زنی سیاهپوش ( نماد کردستان ) نقشی را بازی می کرد . در حالی که این زن از سوی ترکیه و ایران و عراق به زنجیر کشیده شده بود ، داس و چکشی ( نماد روسیه شوروی و نقش پرچم آن ) برای گسستن زنجیرها به حرکت درمی آمد و تئاتر با شعار « زنده باد استالین » به پایان می رسید . [۲]

جلوه های « روس پرستی » در روزنامه ی « کوردستان » ، ارگان حزب دمکرات کردستان ایران به گونه ای دیگر در نمایش بود : در کمتر شماره ای از این روزنامه که دستگاه چاپ آن را دولت روسیه به این حزب داده بود ، تصویر بزرگ استالین در صفحه اول آن چاپ نشده یا شعری از مدیحه سرای این حزب ، « هیمین » در ستایش از استالین ، ارتش سرخ و یا دولت روسیه شوروی منتشر نشده است . [۳]

روس ساخته « ی حزب دمکرات کردستان ایران ، چنان بود که افسران این حزب که در باکو آموزش می « دست نشاندهی و خودباختگی فرهنگی تشکل خطاب می شدند « دیدند ، با لباس های نظامی روسی به مهاباد بازمی گشتند و با درجه های روسی همچون « مایور » ، « پالکونیک » و « پودپالکونیک » [۴] .

در این میان ، « روسیه ستایی » رسانه ی دولت قاضی محمد شگفت آور بود . رادیو جمهوری مهاباد که دستگاه فرستنده ی آن از باکو فرستاده شده بود و در روز دهم اردیبهشت ۱۳۲۴ آغاز به پخش برنامه کرد ، هر روز به مدح روسیه و ارتش سرخ می پرداخت و از حمایت های آنان سپاسگزاری می کرد . [۵]

در دفتر مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، تصویرهای استالین و لنین درو دیوار را پوشانده بود . هنگامی که قاضی محمد و سیف قاضی و تنی چند از روسای عشایر کرد در ۲۲ شهریور ۱۳۲۴ برای دومین بار به باکو سفر کردند ، به هنگام بازگشت ، از میزبان خود ، هر نفر یک عکس قاب گرفته ی استالین را هدیه گرفتند . [۶]

رهبر این حزب پیروی دریست و همه جانبه ی خود از رژیم روسیه شوروی را ، آشکارا ، به نمایش می گذاشت . قاضی محمد در گفتگوی خود با روزنامه ی شهپاز ، از روزنامه های هوادار روسیه در آذرماه ۱۳۲۴ که در شماره ی ۱۲ آن روزنامه و در دی ماه همان سال منتشر شد ، چنین گفت : « در رژیم شوروی که رژیم دموکراسی حقیقی است ، همان سازمان های ملی را که ما می خواهیم درست کنیم ، وجود دارد . » [۷]

خط مشی سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در کاخ کرملین تدوین می شد . در این خط مشی ، جدایی سیاسی و فرهنگی از ایران به شیوه های گوناگون پیگیری می شد . برای مثال ، در برنامه نخستین کنگره ی این حزب آمده بود : « ۱. خودمختاری در اداره ی امور محلی ؛ ۲ . به رسمیت شناخته شدن زبان کردی در ادارات و تحصیل در مدارس ؛ ۳... همه ی کارکنان دولتی باید کرد باشند ... » [۸] شباهت بندهای گوناگون این برنامه با دیدگاه های بیان شده در گزارش های کارشناسان روسیه که از ایران دیدار کرده بودند ، شگفت انگیز است . در سال های پس از جنگ جهانی دوم ، میرجعفر باقر اوف در گزارشی به استالین چنین نوشته است : « در دوران دیکتاتوری رضاشاه ، اهالی آذربایجان نه تنها به مقامات بالای دولتی راه نمی یابند بلکه از رسیدن به مناصب متوسط و کوچک هم محرومند . حکومت شاه با اعلام زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور ، آن را به ادارات دولتی تحمیل کرده است و در موسسات دولتی گفتگو به زبان آذری ممنوع است و اسناد و مدارک به زبان فارسی تدوین می شوند . » [۹] نکته ای که در گزارش های این کارشناسان روسی ، بیش از هر چیز ، خودنمایی می کند ، این است که یا کوچکترین آشنایی با گذشته و سامان فرهنگی ایران ندارند یا ، دانسته ، آن را انکار می کنند . وگرنه در کدام دوره از تاریخ ایران ، زبان اسناد و مدارک دولتی ، به جز دوره کوتاه پس از یورش عرب ، زبان فارسی نبوده است ؟ نگاهی به تاریخ تدوین این گزارش ، نشان می دهد که این گزارش پیش از برگزاری کنگره ی حزب دمکرات کردستان ایران به استالین ارائه شده است و رد پای دیدگاه های طرح شده در آن را در برنامه نخستین کنگره ی حزب دمکرات کردستان ایران می توان دید .

نشانه ی مهم دیگری از دست نشاندگی حزب دمکرات کردستان ایران و قاضی محمد که می توان به آن استناد کرد ، این است که پیش از تاسیس این حزب ، اعضای این حزب در قالب گروه چپگرایی به نام « کومله . ژ . کاف » که در سال ۱۳۲۲ تاسیس شده بود ، فعالیت می کردند ؛ اما در سال ۱۳۲۴ این تشکل به دستور مقامات شوروی به « حزب دمکرات کردستان ایران » تغییر نام داد . پیش از آن ، این کار با تبدیل « شاخه ی آذربایجان حزب توده [ ایران ] » به « فرقه ی دمکرات آذربایجان » یک بار دیگر هم انجام شده بود . وابستگی تام و مطلق « کومله . ژ . کاف » و پس از آن ، « حزب دمکرات کردستان ایران » به دولت روسیه ی شوروی ، چنان ژرف بود که به هنگامی که روسیه ی شوروی برای دریافت امتیاز نفت شمال ، با خودداری از بیرون بردن ارتش خود از خاک ایران ، خیره سرانه و وقیحانه برای دریافت امتیاز نفت شمال پافشاری می کرد ، سازمان « کومله . ژ . کاف » همه ی کوشش خود را از راه های گوناگون تبلیغاتی برای وادارکردن سیاستمداران ایرانی برای دادن امتیاز نفت به شوروی به کار می بندد و به هواداری از دولت شوروی در بیانیه ای چنین می گوید : « اطلاعیه شماره ۳۱۲ ، روز دوم آبان ۱۳۲۳ - در این روزها رادیو و مطبوعات ایران اعلام کردند که حکومت اتحاد جماهیر شوروی به منظور استخراج نفت درخواست نمود که مناطقی در شمال ایران در اختیارش قرار گیرد و به او امتیاز داده شود ، ولی حکومت نمک شناس ایران نیکی های سه سال اخیر اتحاد جماهیر شوروی را نادیده گرفته و این درخواست را رد کرده است ... » [۱۰]

چنان که از متن بیانیه دریافت می شود ، سازمان « کومله . » اشغال ایران از سوی نیروهای نظامی شوروی به همراه آمریکا و انگلستان را که به کشتار مردان ایرانی ، انهدام تاسیسات ترابری و ارتش و راه آهن و قحطی انجамید ، اقدامات و رویداد هایی می داند که به خاطر آنها ، ایرانیان باید در برابر اشغالگران « نمک شناس » هم باشند .

## منابع:

۱. - حریفی ، پیمان ؛ طالع ، هوشنگ . گوشه های پنهان توطئه برای تجزیه مهاباد . لنگرود ، انتشارات سمرقند ، ۱۳۸۹ ، ص ۱۳۷ ؛ نیز : مک داول ، دیوید . تاریخ معاصر کرد . ترجمه : ابراهیم یونس . تهران ، انتشارات روزبهان ، چاپ سوم ، ۱۳۸۶ ، ص ۴۲۲ ؛ نیز : فیروزی ، حمیدرضا . جمهوری مهاباد . اراک ، نشر نثر دانش ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۸۱ .

۲. گوشه های پنهان توطئه برای تجزیه مهاباد ، همان ، ص ۱۱۳ ؛ نیز : تاریخ معاصر کرد ، همان ، ص ۴۹ ؛ نیز : ایگلتون ، ویلیام . جمهوری ۱۹۴۶کردستان . ترجمه : سید محمد صمدی . مهاباد ، نشر سیدیان ، ۱۳۶۲ ، ص ۷۸ ؛ نیز : کیان ، درک . کردها و کردستان . ترجمه : ابراهیم یونس . تهران ، انتشارات نگاه ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۱۱ ؛ نیز : جمهوری مهاباد ، همان ، ص ۱۸۱ ؛ نیز : بلوریان ، غنی . تاله کوک ( برگ سبز ) . ( خاطرات غنی بلوریان ) . ترجمه : رضا خبری مطلق . تهران ، نشر رسا ، ۱۳۸۴ ، ص ۷۰ و ۷۱ .

۳. دوره ی روزنامه کردستان در سال ۱۳۲۴ ؛ نیز : تاریخ و رون گولزبرگ لیک شیعزکان همین ، ، بی تا ، بی جا ، بی تا .

۴. گوشه های پنهان توطئه ... ، همان ، ص ۱۱۷ ؛ نیز : پشدری ، عبدالله . یادداشته کان عبدالله پشدری . ( دوره دوجلدی ) ، عراق ، وزارت فرهنگ و اطلاع رسانی ، ۱۹۹۲ ، ص ۱۱۲ .

۵. یادداشته کان عبدالله پشدری ، همان ، ص ۱۱۴ ؛ نیز : امین ، نوشیروان مصطفی . حکومت کردستان و کرد در بازی سیاسی شوروی . ترجمه : اسماعیل بختیاری . سلیمانیه ، نشر ژین ، ۲۰۰۵ ، ص ۱۷۶ .